

طلاق به خاطر خرید گوشی خاص!

گروه حوادث/ هنگام عبور از راهروهای مجتمع قضایی خانواده ناخواسته با زوج‌هایی روبه‌رو می‌شویم که اغلب اختلاف‌های مشابه و کلیشه‌ای دارند. اما موضوع اختلاف میان مهسا و سامان قدری عجیب بود و همین مسأله توجه اطرافیان را به خود جلب می‌کرد. اختلاف بر سر داشتن یا نداشتن یک گوشی خاص!

دقایقی از بحث و مشاجره میان این زوج بیست و چند ساله در دادگاه خانواده گذشته بود که زمان رسیدگی به پرونده‌شان فرا رسید و هر دو در حالی که با صدای بلند بحث می‌کردند وارد شعبه شدند. قاضی از آنها خواست تا به جای بحث و مشاجره علت مراجعه‌شان به دادگاه را توضیح دهند.

مهسا بدون هیچ معطلی گفت: ۴ ماه از ازدواج‌مان می‌گذرد و در این مدت من به هیچ‌کدام از خواسته‌هایم نرسیدم. بعد رو به همسرش کرد و ادامه داد: سامان حتی اجازه نمی‌دهد که گوشی تلفن همراه دلخواهم را داشته باشم.

بارها از او خواهش کردم و اما او اصلاً توجهی به حرف‌هایم نمی‌کند. من پولی از او نخواستم می‌خواهم با پول خودم گوشی بخرم اما اجازه نمی‌دهد.

قاضی پس از شنیدن حرف‌های زن جوان گفت: یعنی شما فقط به‌خاطر داشتن یک گوشی خاص به‌دنبال طلاق و جدایی آمده اید؟!

سامان در پاسخ گفت: جناب قاضی بحث گوشی نیست این زن اصلاً به من و حرف‌هایم توجهی نمی‌کند و احترامی برایم قائل نیست. بدون اجازه من با دوست‌هایش بیرون می‌رود و به من می‌گوید خاندام اما وقتی می‌فهمم که به من دروغ گفته و اعتراض می‌کنم حتی عذرخواهی هم نمی‌کند. او مدام با من لجبازی می‌کند و هرکاری که می‌داند دوست ندارم انجام می‌دهد.

در ادامه مهسا گفت: من یک انسانم و حق انتخاب دارم. می‌خواهم آن‌طور که دوست دارم زندگی کنم اما او مدام می‌خواهد مرا وادار کند مثل مادرش رفتار و زندگی کنم.

سامان که از حرف‌های همسرش عصبی شده بود گفت: آقای قاضی ما ۴ ماه از زندگی مشترک‌مان نگذشته اما رفتارهای خودسرانه و خودخواهانه او من را به ستوه آورده و دیگر نمی‌توانم با رفتارهایش کنار بیایم.

در همین لحظه مهسا جواب داد: می‌دانم تو تحت تأثیر حرف‌های مادرت با من مخالفت می‌کنی اما مطمئن باش زیر بار حرف مادرت نمی‌روم حتی اگر مجبور به طلاق باشم. سامان به یکباره با لحنی تأکیدی گفت: بگذار خیالت را راحت کنم من اجازه نمی‌دهم که گوشی بخری یا من را انتخاب کن یا گوشی را... مهسا بدون معطلی گفت: به‌طور حتم انتخابم تو نیستی و گوشی را به تو و افکار ترجیح می‌دهم...

در این هنگام قاضی از طرفین خواست تا سکوت کنند. بعد هم گفت: موضوع شما خیلی پیچیده و حاد نیست شما ابتدا باید چند جلسه‌ای پیش مشاور بروید اگر مشکل تان قابل حل نبود بعد در مورد طلاق تصمیم‌گیری کنیم.

نگاه کارشناس

■ امیرحسین صفدری کارشناس مسائل خانواده

در چنین مواقعی بهتر است زوجین مشکلات‌شان را با گفت‌وگو و مشاوره حل کنند تا مسائل ساده‌ای چون داشتن یک گوشی خاص به‌عنوان بهانه‌ای برای طلاق برجسته نشود. ضمن اینکه زوجین باید قبل از هر اقدامی به افکار و عقاید معقول یکدیگر احترام بگذارند نه اینکه برای رسیدن به آنها مانع تراشی کنند. حل مشکلات زوجین توسط خودشان بسیار خوب است اما در بعضی مواقع که هر دو بر این باور هستند که خودشان درست می‌گویند بهتر است از خانواده‌ها و بزرگ‌ترها کمک بگیرند و نگذارند تا مشکلات‌شان کهنه شود. البته یادمان باشد که دروغ و پنهانکاری پایه‌های زندگی را متزلزل می‌کند پس باید به این نکات توجه ویژه‌ای داشت.

شمش تقلبی ۳۰۰ میلیون تومان!

گروه حوادث/ اعضای یک باند تبهکار که با استفاده از خاک و فلزات زرد رنگ شمش طلای قاچاقی ساخته و در بازار می‌فروختند از سوی پلیس شناسایی شدند. سرهنگ کارگاه «جهانگیر تقی‌پور»، معاون مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی تهران در تشریح این خبر گفت: اوایل تیر امسال کارآگاهان اداره سیزدهم با رصد‌های اطلاعاتی مطلع شدند، افرادی در حال خرید و فروش شمش طلا به قیمتی بسیار پایین‌تر از قیمت واقعی بازار هستند.

بنابراین بلافاصله کارآگاهان اداره سیزدهم معاونت مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی بررسی موضوع را بر عهده گرفتند و در تحقیقات پلیسی دریافتند متهمان با افتتاح دفتر فروش سیم و کابل برق در محدوده «میرداماد» قطعات شمش‌های طلا را به‌صورت جزئی و عمده می‌فروشتند. در ادامه تحقیقات پلیسی، کارآگاهان دو قطعه از شمش‌های طلا را که متهمان به خریداران خود فروخته بودند مورد بررسی‌های کارشناسی قرار داده و مشخص شد که شمش‌های طلا تقلبی و فاقد عیار است.

این مقام انتظامی ابراز کرد: در شاخه دیگری از تحقیقات پلیسی، یکی از خریداران شمش‌های طلا به پلیس آگاهی مراجعه و اظهار داشت، اعضای این باند یکهاز قطعه شمش طلا در اختیار دارند و به بهانه اینکه شمش‌ها قاچاق است می‌خواهند با قیمتی بسیار پایین‌تر از قیمت واقعی بازار آن را بفروشند و به جای ۷ میلیارد ریال هر شمش را ۳ میلیارد ریال می‌فروشند.

بدین ترتیب با هماهنگی مقام قضایی اکیبی از کارآگاهان اداره سیزدهم برای دستگیری متهمان به نشانی اعلامی اعزام و موفق شدند، ۲ نفر از متهمان را که در حال فروش ۵۰ قطعه شمش‌های طلای تقلبی بودند دستگیر و در ادامه عملیات پلیسی ۴ نفر از اعضای دیگر این باند را که در داخل اتاقی پنهان شده بودند، دستگیر کنند.

در بررسی‌های بیشتر کارآگاهان موفق شدند، یک کیسه خاک مخلوط به فلزهای مختلف زرد رنگ و یک قطعه فلز زرد رنگ کشف کنند که متهمان در ابتدا مدعی بودند کیسه خاک حاوی خاک معدن و قطعه فلز زرد رنگ شمش طلا است.

معاون مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی تهران، با اشاره به اینکه متهمان در آخرین معامله‌شان قصد داشتند، ۱۵۰ میلیارد ریال طلای تقلبی را به یکی از خریداران طلا بفروشند، اضافه کرد: اعضای این باند برای تحقیقات تکمیلی به پلیس آگاهی انتقال و به جرم ارتقابی در همان تحقیقات اولیه اعتراف کردند و روانه زندان شدند.

مرگ غم‌انگیز «ماهان»

قربانی کوچک اسیدپاشی

گروه حوادث/ پسر نوجوانی که دو سال قبل در راه مدرسه از سوی جوان همسایه مورد اسیدپاشی قرار گرفته بود پس از یک دوره طولانی درمان سرانجام تسلیم مرگ شد.

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، اواخر فروردین سال ۹۷ خبر اسید پاشی به پسر ۱۲ ساله به پلیس اسلام آباد غرب اعلام شد. ماهان که از ناحیه صورت و بدن دچار سوختگی شده بود به بیمارستان منتقل شد.

وی در حالی که حال خوبی نداشت، گفت: هنگام رفتن به مدرسه ناگهان دو مرد نقابدار سوار بر موتور راهاش را سد کرده‌اند و روی او اسید پاشیده‌اند.

پدر ماهان درباره این حادثه گفت:

پدر ماهان درباره عامل این حادثه گفت: پسر ۲۳ ساله که در محله ما خانه و مغازه دارد و در واقع همسایه ما هستند چند روز قبل از این حادثه با پسرم جر و بحث کرده بود و انگار کینه او را به دل گرفته بود یک روز که پسرم به مدرسه می‌رفته او این کار را انجام داده و به قول خودش انتقام گرفته است. بعد از دستگیری اعتراف کرد و الان هم در زندان است. ما در خواست قصاص داریم. خانواده‌اش هم هیچ تلاشی برای رضایت گرفتن نکرده‌اند. بعد از این



حادثه زندگی ما نبود شد. همسرم افسردگی گرفته و خودم شب‌ها تا صبح راه می‌روم و خواب ندارم نمی‌توانستم ببینم پسرم اینقدر زجر می‌کشد. ما برای درمان پسرمان هر چه داشتیم فروختیم و خرج عمل جراحی و بیمارستان کردیم اما سرانجام هم پسرم را از دست دادیم. در حال حاضر با توجه به مرگ این پسر نوجوان پرونده برای ادامه تحقیقات در دادسرای این شهرستان تحت رسیدگی قرار دارد.

صحنه سازی برای قتل عمه

که ماه هیچ وقت پشت ابر نمی‌ماند او از این ماجرا با خبر شد و مرا به خاطر وضع مالی بدم رها کرد. حتی تلفنم را بلاک کرده بود و من نمی‌توانستم با او تماس بگیرم. آنقدر حالم بد بود که حتی قرص اکس مصرف کردم. شب قبل از جنایت به خانه عمه‌ام آمدم. فردای آن روز شروع کردم به بد و بیراه گفتن به عمو و پدر بزرگم. اگر پدر بزرگم حق پدرم را داده بود الان من نباید به خاطر بی‌پولی از سوی دختر مورد علاقه‌ام طرد می‌شدم و در زندگی شکست نمی‌خوردم. عمه‌ام وقتی دید من دارم به پدر و برادرش ناسزا می‌گویم عصبانی شد و یک سیلی به صورت من زد. من که خودم حالت عادی نداشتم از این کار عمه‌ام شوکه شدم و یک دفعه دستم را روی گلوئی او گذاشتم و آنقدر فشار دادم که دیگر نفکش بند آمد. از آنجا که من ورزشکار هستم و در رشته بوکس فعالیت می‌کنم دستام خیلی قوی است و به همین خاطر این اتفاق افتاد.

بعد از قتل چه کردی؟

به خودم گفتم صحنه‌سازی کنم تا راز قتل مخفی بماند. برای همین گاز را روشن کردم تا به نظر برسد که عمه‌ام مسموم و دچار گازگرفتگی شده است.

عذاب وجدانی می‌گفت که بعد از قتل عمه‌اش یک لحظه هم رهایش نمی‌کند. چرا عمه‌ات را کشتی؟ اشتباه کردم از من مهربان و خوبی بود خیلی مرا دوست داشت من هم از بچگی عاشق عمه‌ام بودم. رفتارش با من خوب بود اما کینه‌ای که از پدر بزرگ و عمویم داشتم مرا به این مسیر کشاند.

چه کینه‌ای داشتی؟

پدر بزرگم قبل از مرگش هر چه پول و ثروت و ملک داشت فروخت و به عمویم داد. اموالی که سهم پدر فلج من هم بود، اما او بدون توجه به وضعیت بد پدرم همه ثروتش را در اختیار عمویم قرار داد. من از این موضوع خیلی ناراحت بودم اما کاری از دست بر نمی‌آمد.

خب این چه ربطی به عمه‌ات داشت؟

آن روز من خیلی ناراحت بودم. چند وقت قبل با دختری در اینستاگرام دوست شدم. اوایل خودم را پسر یوسلدار معرفی کردم و برای اینکه به دختر دلخواهم ثابت کنم که وضع مالی خوبی دارم، مدام ماشین‌های لوکس و لاکچری کرایه می‌کردم و به محل قرار با او می‌رفتم. اما از آنجایی

پزشکی قانونی و تنها کمتر از ۲۴ ساعت از کشف جسد زن جوان، مشخص شد علت مرگ زن جوان نه تنها گاز گرفتگی نبوده بلکه وی به قتل رسیده است. پزشکی قانونی آثار شکستگی خیلی زود خودش تماس می‌گرفت. ترتیب بازپرس رحیم دشتیان راهی هر چه زنگ زدم در را باز نکرد اما همسایه‌ها می‌گفتند که ندیده‌اند او از خانه خارج شود. کفش‌های او هم مقابل در ورودی بود و نشان می‌داد که او داخل خانه است. به ناچار در را شکستیم و با جسد الهام روی کانپه مواجه شدیم. به محض ورود به خانه بوی شدید گاز به مشام خورد.

■ مرگ مشکوک

نخستین بررسی‌ها نشان می‌داد که یک کتری آب جوش روی گاز بوده که به‌علت سررفتن باعث خاموش شدن گاز و انتشار آن شده است بنابراین احتمال مرگ بر اثر گاز گرفتگی مورد بررسی قرار گرفت. از طرفی نبود آثار کبودی و جراحت روی بدن زن جوان و مرتب بودن خانه این فرضیه را قوت بخشید. با این حال بازپرس شعبه دهم دادسرای امور جنایی پایتخت دستور انتقال جسد به پزشکی قانونی را صادر کرد.

■ گفت‌وگو با متهم

پسر جوان مدام گریه می‌کرد و از

در این خانه تنها زندگی می‌کرد. امروز هر چه با او تماس گرفتم، پاسخ نداد. نگرانش شدم، سابقه نداشت که جواب تلفن مرا ندهد. اگر هم یک زمانی کار داشت و نمی‌توانست جواب دهد خیلی زود خودش تماس می‌گرفت. از روی نگرانی راهی خانه الهام شدم. هر چه زنگ زدم در را باز نکرد اما همسایه‌ها می‌گفتند که ندیده‌اند او از خانه خارج شود. کفش‌های او هم مقابل در ورودی بود و نشان می‌داد که او داخل خانه است. به ناچار در را شکستیم و با جسد الهام روی کانپه مواجه شدیم. به محض ورود به خانه بوی شدید گاز به مشام خورد.

دستور بازپرس جنایی آغاز شد. با حضور تیم تحقیق در محل آنها با جسد زن جوان روی کانپه داخل سالن پذیرایی مواجه شدند. در بررسی‌های اولیه متخصصان پزشکی قانونی اعلام کردند که از زمان مرگ حدود ۱۲ ساعت می‌گذرد. یکی از بستگان این زن که موضوع را به پلیس اعلام کرده بودند در تحقیقات گفت: الهام از شوهرش طلاق گرفته و

کوری چشم هنگام سرقت

رها می‌کردند فرار می‌کردم، اما آنها دست‌های من را گرفتند و متهم هم با چاقو به چشمم ضربه زد و همین مسأله موجب شد تا چشمم را از دست بدهم. با این وضعیت زندگی‌ام نابود شد و دیگر نمی‌توانم شغلی هم پیدا کنم. حتی هیچ کسی حاضر نیست با من ازدواج کند. من پیش از این اتفاق شغل خوبی داشتم اما به خاطر کوری چشمم شغلم را دست دادم چون برای کار در آن شغل به هر دو چشمم نیاز داشتم. در حال حاضر تقاضای قصاص دارم و درخواست دیه دارم و از دادگاه می‌خواهم علاوه بر دیه هزینه‌های درمان را که برای چشمم انجام گرفته است از متهم بگیرد. پس از اظهارات شاکي متهم در دفاع از خودش گفت: من به عمد چشم شاکي را کور نکرده‌ام. سوابق متهم نشان می‌دهد که او سارق است، آن روز هم آنها من را تحت نظر داشتند تا در فرصت مناسب به من حمله و کیفم را سرقت کنند. آنها بخوبی می‌دانستند که من هر روز با خودم پول‌های داخل صندوق را به خانه می‌برم و کاملاً مشخص بود این افراد با اطلاعات و آگاهی کامل به من حمله کردند.

متهم در پاسخ به سؤال قاضی که چرا با خودش چاقو حمل می‌کرده و چرا از چاقو استفاده کرده توضیح داد: من چاقو نداشتم، دوستم به خاطر شغلش همیشه چاقو همراهش می‌برد. ما برای دعوا نرفته بودیم اما وقتی دیدیم نمی‌توانیم از دست این مرد و دوستانش فرار کنیم دوستم برای ترساندن آنها چاقویش را بیرون آورد. با این حال از کاری که کردم پشیمانم و درخواست بخشش دارم. پس از اظهارات شاکي و متهم قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

قصور و سهل انگاری علت انفجار کلینیک سینا



گروه حوادث/ متهمان پرونده انفجار مرکز کلینیک سینا در حالی با قرار وثیقه آزاد شدند که علت این حادثه قصور و سهل انگاری اعلام شده است. سردار «حمید دهناد» -جانشین فرمانده انتظامی تهران با اعلام این خبر گفت: در این پرونده ۱۲ نفر بازداشت شدند که بعد از انجام تحقیقات ۱۰ نفر از آنها آخر هفته گذشته و یک نفر هم روز شنبه با قرار وثیقه تا روز برگزاری دادگاه آزاد شدند و یک نفر دیگر به علت نداشتن سند هنوز در بازداشت است. وی به بیان اینکه علت حادثه به‌هیچ وجه امنیتی نبوده است افزود: مأموران پلیس آگاهی و امنیت تهران بزرگ در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که آتش سوزی کلینیک سینا به هیچ‌وجه امنیتی نبوده و قصور و سهل انگاری دلیل اصلی بروز این آتش سوزی بوده است. وی گفت: بیشتر بازداشت شدگان مسئولان کلینیک بودند و تحقیقات پلیس نشان داد که ققط کوتاهی و قصور موجب بروز حادثه شده است. کلینیک سینا مهر شمریان شامگاه سه‌شنبه ۱۱ تیر بر اثر انفجار کپسول‌های اکسیژن داخل ساختمان دچار آتش سوزی شد که در این حادثه ۱۹ نفر از جمله ۱۵ زن و ۴ مرد که همگی پزشک و تکنسین اتاق عمل و دو بیمار بودند جان باختند.